

دین و اخلاق محیط زیست

از تعارض تا اجماع هم‌پوش

سجاد بهروزی

و

ابوالقاسم فنائی

www.ketab.ir



ایران دین و اخلاق

سرشناسه	بهریزی، سجاد
عنوان	دین و اخلاق محیط زیست: از تعارض تا اجماع هم‌پوش
پدیدآورندگان	سجاد بهروزی، ابوالقاسم فنائی
مشخصات نشر	قم: دانشگاه مفید، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	۲۵۲ ص.
شابک	۹ - ۱۹ - ۶۰۶۹ - ۶۲۲ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا (فهرست‌نویسی پیش از انتشار)
یادداشت	کتابنامه. نمایه. چاپ اول.
موضوع	۱. محیط زیست - جنبه‌های اخلاقی. ۲. اخلاق زیست‌محیطی. ۳. محیط زیست - جنبه‌های مذهبی. ۴. حفاظت محیط زیست. الف. فنائی، ابوالقاسم، نویسنده همکار. ب. دانشگاه مفید. ج. عنوان.
رده‌بندی کنگره	۱۴۰۰ د ۹ ب ۴۲/GE
رده‌بندی دیویی	۱۷۹/۱۰۷
کتابخانه ملی	۲۸۰۸ - ۱۴۰۰ - ن



دین و اخلاقی محیط زیست
از تعارض تا اجماع هم پوش
سجاد بهروزی - ابوالقاسم فنائی

ناشر: انتشارات دانشگاه مفید

صفحه‌آرا: روح‌الله محمدی

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۶۹-۱۹-۹

چاپ اول: بهار ۱۴۰۱

چاپ: اشراق

شمارگان: ۳۰۰ جلد

قیمت: ۸۶۰۰۰ تومان

entesharat@mofidu.ac.ir

قم - بلوار شهید صدوقی - میدان مفید - دانشگاه مفید

تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۳۰۲۲۶ - ۰۲۵-۳۲۹۳۵۱۷۷ - کد پستی: ۳۷۱۶۹۶۷۷۷

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.

فهرست مطالب

دیاچه / ۱۵

مقدمه / ۲۳

فصل اول: تعریف اصطلاحات و مفاهیم کلیدی / ۲۹

۱/۱ تعریف "محیط زیست"	۳۱
۱/۱/۱ معنای عرفی "محیط زیست"	۳۱
۲/۱/۱ ارتباط انسان با محیط زیست طبیعی	۳۳
۱/۲/۱/۱ دوره تسلط طبیعت بر انسان	۳۴
۲/۲/۱/۱ دوره تسلط انسان بر طبیعت	۳۴
۳/۲/۱/۱ دوره تعامل انسان با طبیعت	۳۷
۲/۱ اخلاق محیط زیست	۳۹
۱/۲/۱ تعریف، موضوع و مسائل اخلاق محیط زیست	۳۹
۲/۲/۱ ضرورت اخلاق محیط زیست	۴۰
۳/۲/۱ تاریخچه اخلاق محیط زیست	۴۱
۳/۱ دین	۴۳
۱/۳/۱ چیستی دین و مشخصه‌های دین‌ساز	۴۳
۲/۳/۱ ادیان ابراهیمی	۴۵
۱/۲/۳/۱ جایگاه انسان در متون مقدس ادیان ابراهیمی	۴۶
۲/۲/۳/۱ جایگاه طبیعت در متون مقدس ادیان ابراهیمی	۴۸
۴/۱ ایده اجماع هم‌پوش	۵۰

فصل دوم: طبقه‌بندی نظریه‌های موجود در اخلاق محیط زیست / ۵۹

- ۱/۲ طبقه‌بندی نظریه‌ها براساس کانون ارزش ۶۲
- ۱/۱/۲ نظریه‌های انسان‌محور در اخلاق محیط زیست ۶۶
- ۱/۱/۱/۲ نظریه حفاظت‌گرایی ۶۷
- ۲/۱/۱/۲ نظریه حراست‌گرایی ۶۷
- ۳/۱/۱/۲ نظریه بوم‌شناسی اجتماعی در اخلاق محیط زیست ۶۸
- ۲/۱/۲ زیست‌محوری در اخلاق محیط زیست ۶۹
- ۱/۲/۱/۲ نظریه آزادی حیوانات ۷۰
- ۲/۲/۱/۲ نظریه حقوق حیوانات ۷۰
- ۳/۲/۱/۲ نظریه تکریم زندگی ۷۲
- ۴/۲/۱/۲ نظریه احترام به طبیعت ۷۳
- ۵/۲/۱/۲ نظریه گری وارنر ۷۴
- ۳/۱/۲ بوم‌محوری در اخلاق محیط زیست ۷۵
- ۱/۳/۱/۲ نظریه اخلاق زمین ۷۵
- ۲/۳/۱/۲ نظریه بوم‌شناسی ژرف ۷۷
- ۳/۳/۱/۲ نظریه پیشکاری ۷۹
- ۴/۳/۱/۲ نظریه اکوفمینیسیم ۷۹
- ۲/۲ طبقه‌بندی نظریه‌ها براساس ملاک ارزیابی اخلاقی ۸۱
- ۱/۲/۲ رویکرد فضیلت‌محور در اخلاق هنجاری و نظریه‌های فضیلت‌گرا در اخلاق محیط زیست ۸۲
- ۱/۱/۲/۲ بوم‌شناسی اجتماعی؛ نظریه‌ای فضیلت‌گرا در اخلاق محیط زیست ۸۳
- ۲/۱/۲/۲ تکریم زندگی؛ نظریه‌ای فضیلت‌گرا در اخلاق محیط زیست ۸۳
- ۳/۱/۲/۲ پیشکاری؛ نظریه‌ای فضیلت‌گرا در اخلاق محیط زیست ۸۴
- ۴/۱/۲/۲ اکوفمینیسیم؛ نظریه‌ای فضیلت‌گرا در اخلاق محیط زیست ۸۴
- ۲/۲/۲ رویکرد غایت‌گرا (پیامدگرا) در اخلاق هنجاری و نظریه‌های پیامدگرا در اخلاق محیط زیست ۸۵
- ۱/۲/۲/۲ حفاظت‌گرایی؛ نظریه‌ای پیامدگرا در اخلاق محیط زیست ۸۶

۸۶.....	۲/۲/۲/۲	گری وارنر؛ فلسوفی پیامدگرا در اخلاق محیط زیست
۸۷.....	۳/۲/۲/۲	آزادی حیوانات؛ نظریه‌ای پیامدگرا در اخلاق محیط زیست
۸۷.....	۴/۲/۲/۲	بوم‌شناسی ژرف؛ نظریه‌ای پیامدگرا در اخلاق محیط زیست
۳/۲/۲		رویکرد وظیفه‌گرا در اخلاق هنجاری و نظریه‌های وظیفه‌گرا در اخلاق
۸۸.....		محیط زیست
۸۹.....	۱/۳/۲/۲	حراست‌گرایی؛ نظریه‌ای وظیفه‌گرا در اخلاق محیط زیست
۹۰.....	۲/۳/۲/۲	احترام به طبیعت؛ نظریه‌ای وظیفه‌گرا در اخلاق محیط زیست
۹۰.....	۳/۳/۲/۲	حقوق حیوانات؛ نظریه‌ای وظیفه‌گروانه در اخلاق محیط زیست
۹۱.....	۴/۳/۲/۲	اخلاق زمین؛ نظریه‌ای وظیفه‌گروانه در اخلاق محیط زیست

فصل سوم: نظریه احترام به طبیعت / ۹۳

۹۸.....	۱/۳	دو ویژگی اساسی هر موجود زنده
۹۹.....	۱/۱/۳	خیر مخصوص موجود زنده
۱۰۰.....	۲/۱/۳	ارزش ذاتی موجود زنده
۱۰۱.....	۲/۳	منظر زیست‌محور درباره طبیعت
۱۰۳.....	۱/۲/۳	انسان به منزله یکی از اعضای جامعه زیستی زمین
۱۰۳.....	۱/۱/۲/۳	نیازمندی فیزیکی و زیست‌محیطی
۱۰۴.....	۲/۱/۲/۳	کنترل ناپذیری همه پیشامدها
۱۰۴.....	۳/۱/۲/۳	آزادی در تحقق خیر مخصوص؛ ویژگی برابر همه موجودات زنده
۱۰۴.....	۴/۱/۲/۳	تازه وارد بودن انسان نسبت به سایر موجودات زنده
۱۰۵.....	۵/۱/۲/۳	تعطیل شدن زندگی انسان با مرگ سایر موجودات، نه برعکس
۱۰۵.....	۲/۲/۳	جهان طبیعت همچون سیستمی به هم پیوسته
۱۰۶.....	۳/۲/۳	فرد فرد موجودات زنده به عنوان غایت حیات
۱۰۶.....	۴/۲/۳	نفی برتری انسان
۱۰۷.....	۱/۴/۲/۳	انواع برتری‌های ادعا شده در مورد انسان
۱۰۷.....	۱/۱/۴/۲/۳	برتری انسان از حیث شایستگی
۱۰۸.....	۲/۱/۴/۲/۳	برتری انسان از حیث ارزش ذاتی

- ۱۰۹ ۲/۴/۲/۳ استدلال علیه برتری انسان
- ۱۰۹ ۱/۲/۴/۲/۳ نقد استدلال‌های کلاسیک در رابطه با برتری انسان
- ۱۰۹ ۱/۱/۲/۴/۲/۳ انسان محوری کلاسیک یونانی
- ۱۱۰ ۲/۱/۲/۴/۲/۳ نقد تیلور بر انسان محوری کلاسیک یونانی
- ۱۱۰ ۳/۱/۴/۲/۳ استدلال مبتنی بر ایده زنجیره بزرگ هستی
- ۱۱۱ ۴/۱/۴/۲/۳ نقد تیلور بر استدلال مبتنی بر ساختار هستی
- ۱۱۲ ۵/۱/۴/۲/۳ استدلال مبتنی بر ثنویت متافیزیکی
- ۱۱۲ ۶/۱/۴/۲/۳ نقد تیلور بر استدلال مبتنی بر ثنویت دکارتی
- ۱۱۳ ۷/۱/۴/۲/۳ استدلال علیه برتری ارزشی انسان بر سایر موجودات زنده
- ۱۱۴ ۳/۳ قواعد رفتاری
- ۱۱۴ ۱/۳/۳ قاعده منع آسیب رساندن به دیگری
- ۱۱۵ ۲/۳/۳ قاعده عدم مداخله
- ۱۱۶ ۳/۳/۳ قاعده صداقت و خودداری از فریب دادن حیوانات
- ۱۱۷ ۴/۳/۳ قاعده عدالت جبران‌کننده
- ۱۱۸ ۴/۳ اصول درجه دوم برای رفع تعارض منافع
- ۱۲۰ ۱/۴/۳ اصل دفاع از خود
- ۱۲۱ ۲/۴/۳ اصل تناسب
- ۱۲۱ ۳/۴/۳ اصل ارتکاب کمترین خطا
- ۱۲۲ ۱/۳/۴/۳ تخریب محل سکونت طبیعی
- ۱۲۳ ۲/۳/۴/۳ آلودگی محیط زیست
- ۱۲۳ ۳/۳/۴/۳ کشتن از سرخلوص نیت
- ۱۲۴ ۴/۴/۳ اصل عدالت توزیعی
- ۱۲۶ ۵/۴/۳ اصل عدالت جبران‌کننده

فصل چهارم: ارزیابی نظریه احترام به طبیعت / ۱۲۷

- ۱۲۹ ۱/۴ معقولیت نظریه احترام به طبیعت
- ۱۳۰ ۱/۱/۴ معقولیت نظریه «احترام به طبیعت» در بعد نظری

دیباچه

به نام خداوند جان و خرد

کتابی که در دست دارید کوششی است ابتکاری در به کار بستن ایده «اجماع هم پوش»^۱ در اخلاق محیط زیست برای نشان دادن امکان توافق میان اخلاق دینی و اخلاق فرادینی در این قلمرو. موضوع اصلی مورد بررسی در اخلاق محیط زیست، که یکی از شاخه های مهم اخلاق کاربردی است، «مسئولیت اخلاقی انسانها در قبال محیط زیست یا درباره محیط زیست» است. پرسش از مسئولیت اخلاقی انسانها در قبال / درباره محیط زیست به یک معنا هم ارز پرسش از گستره اخلاق و شمول موضوع آن نسبت به موجودات طبیعی است. آیا همان گونه که انسانها از «منزلت اخلاقی»^۲ برخوردارند، موجودات جاندار دیگری که به همراه انسان جهان طبیعت را اشغال کرده اند نیز از چنین منزلتی، هر چند با درجاتی کمتر، برخوردارند، یا منزلت اخلاقی با همه درجات آن مختص انسانهاست؟ اگر سایر موجودات جاندار طبیعی نیز واجد حظی از منزلت اخلاقی باشند، چنین منزلتی مستلزم نوعی محدودیت هنجاری درباره رفتارهای مجاز انسانها نسبت به آن موجودات خواهد بود. یعنی اگر منزلت اخلاقی دیگر موجودات جاندار طبیعی را به رسمیت بشناسیم، حق انسانها در استفاده ابزاری از آن

1. Overlapping consensus

2. Moral status/standing

موجودات را محدود و مقید کرده‌ایم؛ زیرا منزلت اخلاقی هر موجودی، هم نوع تکلیف اخلاقی کنش‌گران مسئول را در قبال آن موجود تعیین می‌کند و هم حدود و ثغور این تکلیف را. علاوه بر این، رفتار انسان با موجودات بی‌جان، مانند کوه‌ها، دریاها و معادن و منابع طبیعی، نیز در اخلاق محیط زیست مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. هر چند تکالیف اخلاقی‌ای که ممکن است انسان در مقام استفاده از این مواهب و امکانات داشته باشد، از منزلت اخلاقی خود این موجودات سرچشمه نمی‌گیرد، بلکه از حق یا منزلت اخلاقی خداوند، یا حق یا منزلت اخلاقی انسانها یا حق یا منزلت اخلاقی همه موجودات جاندار در استفاده از این مواهب و امکانات سرچشمه می‌گیرد.

درباره تکالیف انسان در قلمرو اخلاق محیط زیست سه پرسش اصلی وجود دارد. این پرسش‌ها عبارتند از:

(۱) آیا اساساً انسانها چنین تکالیفی دارند؟

(۲) قلمرو این تکالیف تا کیجا می‌رسد؟

(۳) این تکالیف «مستقیم» است یا «غیرمستقیم»؛ یعنی در قبال آن موجودات است یا درباره آن موجودات؟

پرسش نخست درباره اصل وجود تکلیف در اخلاق محیط زیست است. شک و تردید در اصل وجود تکلیف در اخلاق محیط زیست «شکاکیت در خصوص اخلاق محیط زیست» نامیده می‌شود. طبیعتاً چنین شکاکیتی جایی برای طرح پرسش دوم و سوم باقی نمی‌گذارد، اما کسانی که در این قلمرو شکاک نیستند و اصل وجود تکلیف در اخلاق محیط زیست را می‌پذیرند، ناگزیرند به دو پرسش دیگر نیز پاسخ دهند. پاسخ پرسش دوم و سوم در حقیقت در گرو تعیین منبع یا منشأ و سرچشمه تکالیفی است که در اخلاق محیط زیست داریم.

اگر منشأ این تکالیف را صرفاً منزلت اخلاقی یا حق اخلاقی انسانهای دیگر، خواه انسانهای موجود و خواه نسل‌های آینده، در استفاده از محیط زیست بدانیم، قلمرو این تکالیف را محدود کرده‌ایم؛ بدین معنا که این قول را پذیرفته‌ایم که از نظر اخلاقی انسانها در قبال موجودات جاندار و بی‌جان دیگر هیچ مسئولیتی ندارند، و آزادی آنان در استفاده از مواهب و امکانات طبیعی، یعنی از موجودات

جاندار و بی جان دیگر، صرفاً با حق انسانهای دیگر در استفاده از این مواهب و امکانات محدود می شود. در این دیدگاه، طبیعت ملک مشاع همه انسانها قلمداد می شود. در این فرض تکلیفی که هر انسانی در رابطه با انسانهای دیگر دارد، «مستقیم» است، یعنی تکلیفی در قبال انسانهای دیگر است، اما تکلیفی که در رابطه با موجودات جاندار و بی جان دیگر دارد «غیرمستقیم» است، یعنی تکلیفی «درباره» آن موجودات است، نه تکلیفی «در قبال» آنها. زیرا این تکلیف از حق حیات و حق مالکیت انسانهای دیگر سرچشمه می گیرد و نوعی بدهکاری به انسانهای دیگر است، و موجودات جاندار یا بی جان دیگر صرفاً موضوع و مورد این تکلیف هستند.

اما اگر برای موجودات جاندار دیگر، غیر از انسان (اعم از حیوانات و گیاهان)، نیز حقی اخلاقی در استفاده از مواهب و امکانات طبیعی قائل شویم، در این صورت قلمرو تکالیف انسانها در اخلاق محیط زیست را گسترش داده، و به همین مقدار آزادی انسانها در استفاده از مواهب و امکانات طبیعی را محدود کرده ایم. این دیدگاه می گوید: از نظر اخلاقی انسانها «در قبال» سایر جانداران نیز تکالیفی دارند؛ تکالیفی که از حق حیات این جانداران و نیز حق آنان در استفاده از امکانات و مواهب طبیعی سرچشمه می گیرد، و به یک معنا بدهکاری انسان به همه جانداران است. چنانکه پیداست این تکالیف در رابطه با جانداران از نوع تکالیف مستقیم و در رابطه با موجودات بی جان از نوع تکالیف غیرمستقیم است.

در رابطه با منشأ تکالیف در اخلاق محیط زیست دو نظریه دیگر نیز قابل طرح است: نظریه اول منشأ این تکالیف را فرمان الهی می داند و نظریه دوم منشأ آنها را تقدس طبیعت می داند. در چارچوب نظریه نخست، تکالیفی که در اخلاق محیط زیست برای انسانها اثبات می شود، تکالیفی است «در قبال» خداوند و «درباره» موجودات جاندار و/یا بی جان دیگر اعم از انسانهای دیگر و حیوانات و جمادات. به بیان دیگر، در چارچوب این نظریه، این تکالیف از حق اطاعت خداوند یا حق مالکیت او سرچشمه می گیرد، نه از حق حیات یا حق مالکیت موجودات دیگر. اما در چارچوب نظریه دوم این تکالیف «در قبال» همه موجودات دیگر است، زیرا از تقدس خود این موجودات سرچشمه می گیرد. هر چند منشأ

این تقدس حضور و تجلی اسماء و اوصاف الهی در این موجودات است. چنانکه پیداست، پذیرش این پیش فرضها امکان توسعه بیشتر قلمرو اخلاق را فراهم می‌کند؛ زیرا بر این نظریه‌ها می‌توان گفت که از منظر اخلاقی انسانها نه فقط در رابطه با موجودات طبیعی جاندار، بلکه در رابطه با موجودات طبیعی بی‌جان نیز تکالیفی دارند. مثلاً، ما نسبت به معادن، منابع زیرزمینی، کوه‌ها، رودها، چشمه‌ها و دریاها، و آب و هوا نیز تکالیفی، هرچند غیر مستقیم، داریم، به این معنا که یا مطلقاً حق استفاده بی‌رویه و تخریبی از آنها را نداریم، یا حق استفاده از این موجودات را، به گونه‌ای که سایر موجودات جاندار را از بهره‌مند شدن از این موجودات بی‌جان محروم کند، نداریم.

اگر تکالیف انسان در اخلاق محیط زیست را در «تکلیف اخلاقی احترام به طبیعت» خلاصه کنیم، سه پرسش بالا را به شکل زیر می‌توانیم صورت‌بندی کنیم:

(۱) آیا از نظر اخلاقی انسانها اساساً وظیفه دارند به طبیعت احترام بگذارند؟

(۲) قلمرو این تکلیف تا کیست؟

(۳) این تکلیف مستقیم است یا غیر مستقیم؟

این کتاب می‌کوشد تکلیف بنیادین اخلاقی احترام به طبیعت و تکالیف فرعی قابل استخراج از این تکلیف، و نیز سرشت و حدود و ثغور این تکالیف، را از دو منظر دینی و فرادینی بررسی کند.

به باور بسیاری از منتقدان، برخی از پیش فرض‌های الهیاتی اخلاق دینی، مانند خلافت و اشرافیت انسان، که از آموزه‌های ادیان ابراهیمی است، منشأ بی‌احترامی پیروان این ادیان به طبیعت و سرچشمه بی‌توجهی آنان نسبت به هنجارهای اخلاقی فرادینی در قبال یا درباره محیط زیست است، و سهم بزرگی در تخریب محیط زیست و پیدایش و استمرار یا تعمیق و تشدید بحران‌های زیست‌محیطی بازی می‌کند.

اما می‌توان پرسید: معنای اینکه «انسان اشرف مخلوقات و خلیفه خدا بر روی زمین است» چیست؟ آیا این آموزه به این معناست که انسان حق بیشتر یا حق انحصاری بهره‌مند شدن از امکانات و مواهب محیط زیست را دارد، و اخلاقاً اجازه دارد به هر قیمتی این حق را استیفا کند، یا به این معناست که

انسان مسئولیت اخلاقی بیشتری را انحصاری در رفتار با محیط زیست و در قبال یا درباره سایر موجودات دارد. آیا موجود کامل تر و شریف تر، یا به تعبیر دینی، موجودی که به خدا نزدیک تر و در نزد او محترم تر است، موجودی است که حق اخلاقی بیشتری دارد یا موجودی است که مسئولیت اخلاقی و تکلیف اخلاقی بیشتر و سنگین تر دارد؟

آیا خلافت انسان به معنای این است که محیط زیست و موجودات دیگری که در استفاده از این محیط با انسان شریکند برای مصرف، رفاه، خوشی، تفریح و لذت وی آفریده شده اند؛ و وی حق دارد به هر نحو و تا هر کجا که دلش می خواهد از محیط زیست استفاده ابزاری کند، هر چند استفاده بی رویه و حریصانه وی منجر به تخریب جبران ناپذیر یا نابودی محیط زیست و محرومیت جانداران دیگر در استیفای حق خود شود، یا همان گونه که انسان حق دارد از مواهب و امکانات موجود در محیط زیست استفاده کند، موجودات جاندار دیگر نیز حق دارند از این مواهب و امکانات استفاده کنند؟ و در داشتن این حق با انسان برابری؟

به هر تقدیر، پیش فرض های الهیاتی اخلاق دینی، همچون سایر آموزه های دینی مستند به متون مقدس، در معرض تفسیرهای گوناگون قرار دارد، و رابطه اشرفیت و خلافت انسان با حق و تکلیف اخلاقی وی از این قاعده مستثنا نیست. افزون بر این، چرا بر اساس آموزه های دینی نگوییم که محیط زیست امانتی الهی در دست انسان است؛ امانتی که تخریب آن یا وارد کردن هر گونه آسیبی به آن، اعم از آسیب های قابل جبران و آسیب های جبران ناپذیر، مصداق روشنی از خیانت در این امانت قلمداد می شود که از نظر اخلاقی، چه اخلاق دینی و چه اخلاق فرادینی، کاری نادرست و مذموم است.

همچنین، چرا در پرتو «قاعده لاضرر»^۱ نگوییم که حق انسان در بهره مندی از محیط زیست به مقداری از سوی اخلاق دینی به رسمیت شناخته شده که مستلزم ضرر زدن به خود طبیعت و به دیگر موجودات و نسل های آینده و تضییع حقوق آنان نباشد؟

۱. یکی از معروف ترین و رایج ترین قواعد در فقه اسلامی که می گوید: در اسلام حکم و حقی که متضمن ضرر زدن به دیگران باشد، نداریم، و سوء استفاده از حق و حکم شرعی ممنوع است.